

روزنامه سیاسی هفتگی

چهارشنبه ۱۶ ذوالقعدة ۱۴۴۶ هـ ق، ۱۴ می ۲۰۲۵ م، ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

شماره: ۵۴۷ تعداد صفحه: ۴

ایست اسن فرانسه، کشوری که جانشین سراسر سرزمینهای مستعمرات با فرانکفونی و مذهبهای طوایفی پرچمدار است با اسلام و به هجرات نیز با آن می‌جنگد؛ فرانسه، نخستین دشمن وحی آسمانی و شکستگاه و مرکز تمدنی اسن که بشریت را به نابودی کشاند؛ فرانسه که نخستین بار در زمان خلافت علمايي به رسول الله علیه و آله و سلم سبابت کرد، اما در آن زمان خیالهای خود که آن در جای خود کشاند، انتشار که انتشار کاریکاتورهائی توهین آمیز نسبت به رسول الله علیه و آله و سلم در توابعی شایع کرد و آن را آفرید بیان دانست و حکومتهایش از ایشان آبرو حیات کردند.

A photograph of Donald Trump sitting at a desk with his arms crossed, looking serious. An American flag is visible in the background.

[illegible]

علاقه بر این، در ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴، نظام قرقری - نظامنامه استراتژیکی بر اساسیه اروپا درباره تقویت شرکت و همکاری اعضا کرد. در چارچوب این توافق، چندین قرارداد دوجانبه به امضا رسید که دوازدهی برای گسترش نفوذ اروپا در این کشور گشود. در همین حال، اورسولا فون درلایر، رئیس کمسیون اروپا، در سوم آوریل ۲۰۲۵ در اجلاس استراتژی اروپا و آسیای مرکزی در سمرقند، از بسته سرمایه‌گذاری ۱۲ میلیارد یورویی برای آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی از پروژه «دروازه چانی» رونمایی کرد. نظام قرقری در اینجا تقویت شد و در سفر شتورویز در کلاس قاسم علیاف به واشنگتن در آوریل گذشته، مذاکراتی درباره استیصال فلزات کمیاب زمین و پروژه نیروگاه برآبی کامیار-آرمن گرفت. تمام این موارد نگرانی کمترین را برانگیخت و او را به تغییر سیاست خود نسبت به منطقه آسیای مرکزی و آسیای غربی مجبور کرد. او به‌ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ، موقعیت روسیه در محدثه بین‌المللی، بر سر موقعیت شد که شرایط مناسبی برای توجه دوباره به آسیای مرکزی فراهم آورد. نشانه‌های این امر نخست در تمرکز قوانین علیه کارگران مهاجر در روسیه بروز کرد، سپس عناصری از نیروهای امنیتی روسیه به کارگران مهاجر قرقری حمله کردند. همزمان، نظام قرقری چند نفر را به زندان و گمان تلاش برای کودتا بازداشت کرد. همچنین جاسوسان روسی دستگیر شدند و برخی تحت اقامت اجباری قرار گرفتند.

در پایان، ای مسئولان قرقری - قوانین ضداسلامی که برای خشونت کردن استعمارگران صادر می‌کند، هرگز آنان را راضی نخواهد کرد. پس سادات دنیا و آخرت را تنها به توکل به الله بخشودنوعالی محقق کنید.

روشن سازی درباره توافق آمریکا و حوثی‌ها

استاد صادق الصراوی - ولایت یمن



رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، روز سه‌شنبه ۲۰۲۵/۵/۶ م. از توقف فوری حملات هوایی آمریکا به حوثی‌ها خبر داد، پس از توافقی که به وساطت سلطنت عمان صورت گرفت که طی آن گروه حوثی متعهد شد حملات به کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب را متوقف کند. ترامپ گفت که ایالات متحده حملات خود به حوثی‌ها را متوقف خواهد کرد، پس از آن‌که حوثی‌ها به واشنگتن اطلاع دادند «دیگر نمی‌خواهند بجنگند». ترامپ از دفتر پیشوی گفت: «ما به این تعهد احترام خواهیم گذاشت و حملات را متوقف خواهیم کرد، وی افزود: «آنها تسلیم‌شده‌اند و مهم‌تر از همه، ما به درفشان اعتماد خواهیم کرد. آن‌ها گفته‌اند دیگر کشتی‌ها را منفرع نخواهند کرد» (سی‌ان‌ان به زبان عربی، ۲۰۲۵/۵/۶).

آمریکا از اواسط مارس ۲۰۲۵ م. عملیات هوایی فشرده‌ای علیه حوثی‌ها با نام «سور خشن» آغاز کرد، در پاسخ به حملات این گروه به کشتی‌ها در دریای سرخ. فرماندهی مرکزی آمریکا اعلام کرد که بیش از هزار هدف حوثی هدف قرار گرفته‌اند. آمریکا در این عملیات خسارات مالی بزرگی متحمل شد، اگرچه مدت‌زمان آن کمتر از دو ماه بود، بر اساس گزارش رسانه‌های آمریکایی، شبکه خبری ان‌بی‌سی به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که جنگ با حوثی‌ها از مارس گذشته بیش از یک میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است. این منابع افزودند که جنگ با حوثی‌ها به ارتش آمریکا هزاران بعب و موشک هزینه کرده، به‌علاوه سرنگونی ۷ پهپاد و غرق دو فروند جنگنده (آنتولی، ۲۰۲۵/۵/۱۰) به نفع مرید است که اظهارات برای بزرگ‌نمایی حوثی‌ها و ترساندن آنها مبالغه‌آمیز بوده است. ترامپ گفت: «آنها ضربات سنگینی خورده‌اند، اما توانایی عظیمی برای تحمل ضربات دارند، تحمل کردند و شجاعت بزرگی نشان دادند». در مقابل، این گروه بارها تاکید کرده است که حملات هوایی هیچ خسارت نظامی جدی وارد نکرده و تأثیری بر توان نظامی آن‌ها نداشته است، به‌طوری‌که رئیس شورای سیاسی عالی این گروه گفت: «حملات آمریکایی‌ها تنها یک درصد از توان نظامی ما را تحت تأثیر قرار داده است» و تهدید به هدف قرار دادن «شرکت‌های نفت و تسلیحات آمریکایی» کرد. (روزنامه العرب، ۲۰۲۵/۵/۳).

چند ساعت پیش‌ازین اعلام آمریکایی، چنگنده‌های نیروی هوایی اسرائیل حمله‌ای شدید انجام دادند که حدود ۲۰۰ جنگنده در آن شرکت داشتند و بیش از ۵۰ بمب و موشک شلیک کردند. اهدافی شامل فرودگاه صنعاء، دو نیروگاه برق حریر و ذهبان، ایستگاه توزیع برق عصر و کارخانه سیمان عمران را هدف قرار دادند. همچنین شامگاه دوشنبه ۲۰۲۵/۵/۵ م. بندر نفتی راس عیسی و کارخانه سیمان باجل در استان حدیده هدف حمله قرار گرفتند. خسارات مالی این حملات بر اساس برآوردهای اقتصادی محلی بیش از سه میلیارد دلار تخمین زده‌شده است.

در خصوص حوثی‌ها، آن‌ها اظهارات ترامپ را نادرست دانستند و تاکید کردند که مواضع جنگی خود را تغییر نداده‌اند و آماده‌اند در صورت ضرورت دوباره به تشدید عملیات بپردازند. خیرگزاری رویترز به نقل از محمد عبدالسلام، رئیس مذاکرات حوثی‌ها، گزارش داد که توافقی به‌همچون شامل رژیم مستگاه دریا، توزیع برق عصر و کارخانه سیمان عمران را هدف قرار دادند. همچنین شامگاه دوشنبه ۲۰۲۵/۵/۵ م. بندر نفتی راس عیسی و کارخانه سیمان باجل در استان حدیده هدف حمله قرار گرفتند. خسارات مالی این حملات بر اساس برآوردهای اقتصادی محلی بیش از سه میلیارد دلار تخمین زده‌شده است.

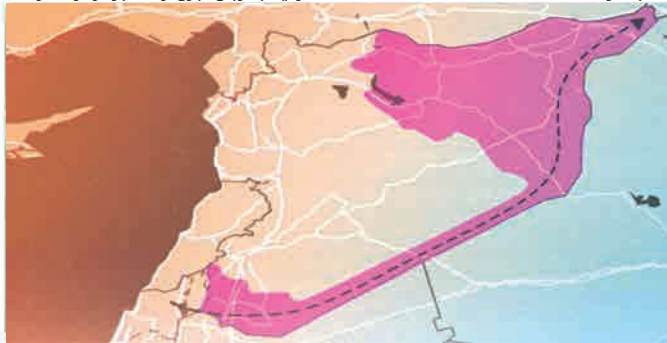
در خصوص حوثی‌ها، آن‌ها اظهارات ترامپ را نادرست دانستند و تاکید کردند که مواضع جنگی خود را تغییر نداده‌اند و آماده‌اند در صورت ضرورت دوباره به تشدید عملیات بپردازند. خیرگزاری رویترز به نقل از محمد عبدالسلام، رئیس مذاکرات حوثی‌ها، گزارش داد که توافقی به‌همچون شامل رژیم مستگاه دریا، توزیع برق عصر و کارخانه سیمان عمران را هدف قرار دادند. همچنین شامگاه دوشنبه ۲۰۲۵/۵/۵ م. بندر نفتی راس عیسی و کارخانه سیمان باجل در استان حدیده هدف حمله قرار گرفتند. خسارات مالی این حملات بر اساس برآوردهای اقتصادی محلی بیش از سه میلیارد دلار تخمین زده‌شده است.

پروژه «گریدور داوود»

استاد احمد الخطوانی

برخی تحلیل‌گران بر این باورند که رژیم کرد، همچنین این مسیر نقش‌گزار تجاری بین مهبیونستی برنامهای تحت عنوان «گریدور داوود» رژیم و این مناطق را دارد که تا آذربایجان در شمال دارد که تحت کنترل شدید نظامی این رژیم است و کشورهای خلیج‌فارس در جنوب که دارای منابع و به همین دلیل این اصطلاح به‌طور رسمی در فراوان نفت و گاز هستند، امتداد می‌یابد. از نظر رسانه‌های رسمی کم‌تر مطرح می‌شود؛ اما برخی امنیتی، این پروژه باعث تقسیم و تکه‌تکه شدن رسانه‌های دیگر، به‌ویژه از نیمه دوم سال ۲۰۲۴ سوریه و عراق، تحمیل سلطه رژیم مهبیونستی بر مانند سی‌ان‌ان ترک، خبرگزاری قدس، وبسایت بیشتر مناطق خاورمیانه، تشدید اختلافات طائفه‌ای، المیادین، روزنامه رای‌الیوم، خبرگزاری تسنیم، کاهش نفوذ ترکیه در منطقه و تضعیف نقش ایران شبکه العالم، العربی الجدید و دیگران، این اصطلاح می‌شود.

را به کار می‌برند. این رسانه‌ها می‌گویند «گریدور» یکی از نظریه‌پردازان این پروژه شخصی به نام داوود» رویایی برای مهبیونست‌هاست که پس عودید یثون است که زمانی به‌عنوان مشاور در از وقایع هفتم اکتبر ۲۰۲۳، ابعاد آن آشکار شده وزارت امور خارجه رژیم مهبیونستی فعالیت می‌کرد. است. این پروژه از دهه هشتاد قرن گذشته ایده‌های او در تالیف کتاب «طرح مهبیونستی برای مطرح‌شده بود و شیمون پرز در برخی نوشته‌های خاورمیانه» نوشته اسرائیل شاکاک به‌کار رفته است خود، از جمله کتاب «خاورمیانه جدید»، درباره آن که نویسنده در این کتاب بر اساس سندی است محبت کرده است.



این پروژه به دنبال ایجاد تغییرات بنیادی جغرافیایی، محله «کیفونیم» (به معنای «گرایش‌ها») که یک ژئوپلیتیکی، جمعیتی و استراتژیک در خاورمیانه از محله یهودی مهبیونستی است، در فوریه ۱۹۸۲ طریق گسترش شهرک‌نشین مهبیونستی در نقاط متشتر شده است. خاصی است که همراه با کنترل و تسلط کامل بر عودید یثون استراتژی خاصی ابداع کرد که در آن مناطق مشخصی از خاورمیانه، زمینه تحقق رویای پیشهاد تبدیل رژیم مهبیونستی به یک قدرت «اسرائیل بزرگ» را فراهم می‌کند. این گسترش منطقه‌ای مسلط از طریق تکه‌تکه کردن کشورهای بر پایه ایده «گریدور داوود» شکل می‌گیرد که عربی به گروه‌های قومی و طائفه‌ای داده‌شده است یک گزگانه زمینی است که در مناطق مرزی بین که کنترل آن‌ها برای رژیم مهبیونستی آسان‌تر سوریه، اردن و عراق واقع‌شده و نام آن از پیامبر داوود علیه‌السلام گرفته‌شده که یهودیان او را سابق آمریکا، دیک چنی، به نام «بی‌نظمی» پادشاه می‌دانند، نه پیامبر.

این راه از جولان اشغالی سوریه آغاز شده و تا تأثیر دیدگاه مشهور او با عبارت «جنگی‌دامنی که تا کردستان عراق ادامه دارد و شامل زمین‌هایی پایان عمر ما پایان نمی‌یابد» قرار دارد. در سوریه و عراق می‌شود. این مسیر از فلسطین طرح ترامپ درباره چشم‌انداز غزه و کوچکی اشغالی شروع‌شده و در کنار رود فرات امتداد سرزمین رژیم مهبیونستی نیز به ترویج این می‌یابد، از قلات جولان حرکت کرده و از شهر التفف ایده کمک کرده است. اشغال قله‌های جبل‌الشیخ و گروهی در مثلث مرزی سوریه، اردن و عراق قرار دارد و مناطق جنوب سوریه و بمباران اردوگاه‌ها و نیروهای آمریکایی و بریتانیایی در آن مستقرند. تاسیسات نظامی در سوریه نیز در انتظار امید برای می‌گذرد و در مرز سوریه و عراق در نقطه البوکمال نظریه‌پردازان این پروژه مؤثر بوده است، زیرا به پایان می‌رسد، سپس در شمال از مناطق این اقدامات نظامی را قدمه‌ای برای اجرای طرح کردنشین عبور می‌کند.

برخی مفسران معتقدند این راه با طرح تقسیم سوریه و عراق به چند ناحیه هم‌راستا است؛ از جمله ناحیه‌ای در السویدا، جنوب سوریه که قرار است برای دروزی‌ها باشد و مواضع اخیر رژیم مهبیونستی حاکی از ارتباط آن با این منطقه است، چراکه در نظر این رژیم، دروزی‌های منطقه وفادار به آن محسوب می‌شوند. همچنین این پروژه با موجودیت کردی جدایی‌طلب در شمال سوریه و عراق که رژیم مهبیونستی قصد دارد با آن اتحاد قوی برقرار آورد، همپوشانی دارد. روابط و ایجاد ارتباط با حاکمان مسلمان خیانت‌کار نفت مناطق کردنشین به بندر حیفا و انتقالب آب امنیتی حتی در فلسطین اشغالی به آن‌ها بدهند، چه برسد به خارج از آن.

وقتی موش‌ها از نبود شیر احساس امنیت می‌کنند

ملیبیان فلسطین را اشغال کردند و خون مسلمانان را در آن ریختند و همان کاری را کردند که امروز انجام می‌دهد. فلسطین به مدت ۸۸ سال زیر ضربات آن‌ها باقی ماند تا اینکه سپاه آزادی‌ساز به فرماندهی الناصر ملان‌الدین ابی‌معدی و آن سرزمین را از آلودگی آن‌ها پاک کرد. آن‌ها را به سختی شکست داد. از آنجا ذلیل و خوار بیرون راند و فلسطین کامل را به دیار مسلمانان بازگرداند. مردم آنجا صدها سال از نعمت آزادی بهره‌مند شدند تا اینکه دشمنان اسلام به رهبری بریتانیا بار دیگر توطئه کردند و به یهود وعده بافقور دادند و رژیم آن‌ها را در فلسطین سال ۱۹۴۸ میادی تاسیس کردند. فلسطین هنوز تحت سلطه آن‌هاست و جانیانشان متوقف شده است. ویرانی غزه و نابودی کشاورزی و نسل آن سرزمین، کوهی آشکار بر وحشی‌گری آنان است؛ زیرا بدون خیانت حاکمان مسلمان فلسطین و مردم آن و نیز بدون آن‌که موش‌ها از نبود شیر احساس امنیت کنند، هرگز نمی‌توانستند چنین جانی را مرکب شوند. ای مسلمانان! بر شما واجب است که ارش‌ها را به قیام وادارید تا تجزیه‌هایی را که حکام خائن بر آن‌ها زده‌اند بشکنند و با فریاد «اللهم اکبر، اللهم اکبر، هلاک یهود»، به میدان جنگ بشتابند؛ چراکه «هرگاه ما بر قومی نازل شویم، مبع وحشتناکی برای بیم‌دهندگان خواهد بود». فلسطین با فشارات، دعا در مساجد، جنگ‌های خیالی چه هوایی و چه دریایی، با کمک‌های مالی آزاد می‌شود؛ بلکه تنها توسط ارش‌هایی آزاد می‌شود که علل را به معلول‌ها پیوند می‌دهند و بربر زمینی در سرزمین فلسطین انجام می‌دهند، یهود را شکست می‌دهند و آن‌ها را ذلیل و خوار از آنجا بیرون می‌رانند.

نظرات سیاسی

ادامه : دولت پنهان

اما اگر حکومت بر اساس شریعت پروردار جهان باشد، پس مسلمانان، چه در داخل باشند و چه در خارج، میان آن‌ها دولت پنهانی که بخواید حکومت اسلام را با نظامی دیگر جایگزین کند، شکل نمی‌گیرد؛ مگر این است مسلمانان، در داخل یا خارج، تحت تأثیر نیروی خارجی استعمارگر یا دشمنان قرار گرفته باشند که در این دو حالت، همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، دولت پنهان مسبب نمی‌شوند.

از این‌رو، آنچه در برخی کشورهای مسلمان از تغییرات یا کودتاها دیده می‌شود، مانند آنچه در پاکستان، بنگلادش یا مصر روی داده یا می‌دهد، نیروهای پشت پرده این‌ها استعمار دولت پنهان نامیده نمی‌شوند؛ زیرا استعمار است که وقایع را مسبب می‌شوند.

در کشورهای تابع خود هدایت می‌کند. اما اگر در کشورهای اسلامی که تابع قوانین وضعی هستند، جنبشی به‌وجود آید که برای تغییر حکومت وضعی در سرزمین‌های اسلامی به حکومت اسلامی و برپایی خلافت راشده تلاش کند، این جنبش دولت پنهان نامیده نمی‌شود، بلکه اهل نصرت‌الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم هستند.

ما از الله سبحانه‌وتعالی یاری و توفیق می‌طلبیم تا خلافت راشده را دوباره برپا گردانند تا اسلام و مسلمانان عزت یابند و کفر و فساد زایل گردند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»، الله سبحانه‌وتعالی به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین در زمین خواهد کرد همان‌گونه که پیشینیان را جایگزین قبل از خود کرده است.

خاصه این‌که: دولت پنهان، شبکه‌ای از مردم همان کشور است، چه در داخل و چه در خارج که علیه نظام حاکم از آن کشور فعالیت می‌کند تا آن را تغییر دهد یا تضعیف نماید. با این تعریف دولت پنهان فقط در کشورهای وجود دارد که تابع قوانین وضعی هستند، زیرا در چنین کشورهایی ممکن است شبکه‌های داخل یا خارج وجود داشته باشند که در نوع نظام حکومتی مطلوب با هم اختلاف داشته باشند و همین امر موجب شکمش میان آن‌ها در نوع قانون وضعی و نظام مدنظر می‌شود.

آنچه در دوره اخیر دیدیم، یعنی شکست سنگین حزب محافظه‌کار و پیروزی گسترده حزب کارگر، در واقع از طراحی محافظه‌کارانه بود؛ زیرا بریتانیا پس از «برگزیت» با بحران اقتصادی شدیدی روبروست و خروج از اتحادیه اروپا نتیجه محاسبه‌های نادرست محافظه‌کاران در هم‌پرسی بریتانیا درباره اروپا بود و چون این بحران ساخته‌پرداخته خود محافظه‌کاران است، اکنون حزب کارگر وظیفه دارد آن را مدیریت و برطرف کند.

پس دولت پنهان در بریتانیا همان خاندان‌های امیل و ثروتمندان است که همواره حاکمان واقعی بریتانیا هستند. اگر هم کنار می‌روند و حزب کارگر را به صحنه می‌آورند، هدفشان حل بحرانی است که خود محافظه‌کاران به‌وجود آورده‌اند. «دولت پنهان» در بریتانیا به‌شکل این‌ها و روان بر حاکمیت مسلط است؛ یعنی خاندان‌های امیل بریتانیایی و ثروتمندان، خاستگاه قدرت‌اند و نهنگیان آن، چه خوشان آن را اعمال کنند و چه حزب دیگری را «اجاره» کنند تا آن را اعمال نماید. برای حفظ این تسلط آسان و پیوسته، خاستگاه فعلی قدرت در بریتانیا و «ریشه زنده» آن، ارزش‌هایی را ترویج می‌کند که با تغییر مخالفت دارد و از این‌رو، اصالت و احترام به سنت‌ها را برجسته می‌سازد. این موضوع در بریتانیا به‌وضوح دیده می‌شود، به‌ویژه در میزان توجه مردم به خاندان سلطنتی، اخبار داستان‌ها، تولد شاهزادگان و شیوه زندگی آن‌ها...

خلاصه: دولت پنهان، نیرویی تأثیرگذار در حکومت موجود است و شبکه‌ای از مردم همان کشور است، چه در داخل و چه در خارج که به‌صورت پنهانی یا مخفیانه علیه طبقه حاکم در آن کشور فعالیت می‌کند تا آن را تغییر دهد یا تضعیف کند.

اما اگر این شبکه از مردم یک کشور نباشد، بلکه نیرویی یگانه باشد؛ مانند یک کشور استعمارگر که علیه آن عمل می‌کند، یا کشوری دشمن که به مقابله با آن پرداخته است، چنین نیرویایی دولت پنهان به‌شمار نمی‌آیند، بلکه برسی آن‌ها در حوزه استعمار یا جنگ و تجاوز قرار می‌گیرد.

همچنین، اگر این شبکه از سوی طبقه حاکم ساخته‌شده باشد، به‌گونه‌ای که فعالیت‌هایش را به آن نسبت دهند یا اتهام را از حاکم دور کنند و آن را به یک شبکه خیالی ساخته‌شده منتقل کنند و از این طریق مردم را درباره فساد و ناتوانی حاکم فریب دهند، در این صورت نیز چنین شبکه‌ای دولت پنهان محسوب نمی‌شود.

افراد این سطح یعنی نمایندگان دولت پنهان کسانی هستند که در جایگاه‌های حساس دستگاه‌های دولتی قرار دارند. دستگاه‌هایی که تحت سلطه آن‌ها هستند، تنها از مسیر این افراد می‌توانند مطابق خواست سطح اول حرکت کنند؛ چراکه جایگاه‌شان بسیار حساس است. در آمریکا این افراد به «سرمایه‌داران بزرگ» هستند یا نماینده‌ی آنان. سرمایه‌داران بزرگ آمریکا تلاش می‌کنند کارمندان بلندپایه دولت، مدافع منافع آنان باشند و به‌صورت دائمی با این کارمندان در ارتباط بمانند تا منافع خود را تأمین کنند. مثلاً شرکت‌های مالی می‌گویند پیروانی در ادارات مالیاتی داشته باشند.

شرکت‌های تسلیحاتی تلاش می‌کنند نفوذی در پنتاگون و ادارات قراردادهای نظامی وزارت خارجه داشته باشند. شرکت‌های تسلیحاتی تلاش می‌کنند نفوذی در پنتاگون و ادارات قراردادهای نظامی وزارت خارجه داشته باشند. شرکت‌های دارویی می‌گویند افرادی در وزارت بهداشت و ادارات بیمه دولت داشته باشند و به‌مرور زمان، این شرکت‌های بزرگ از طریق این کارمندان در جایگاه‌های حساس و از راه لابی‌گری‌ها، موفق به کنترل واقعی دولت در آمریکا شدند.

با این واقعیت نظام سیاسی در آمریکا است. بر این اساس، سرمایه‌داران بزرگ و شرکت‌های عظیم، ریشه و منشأ دولت پنهان در آمریکا هستند؛ آن‌ها قدرت پنهان و امرنایند که پشت‌صحنه سیاست‌گذاری دولت‌اند. آن‌ها همان کسانی‌اند که کارمندان پست‌های حساس را تحریک می‌کنند تا با سیاست‌های دولت مخالفت کنند، اگر آن‌ها سیاست‌ها را منافع‌شان ناسازگار باشد. این نیرو، هم در درون دستگاه دولت فعالیت دارد و هم بیرون آن و عمدتاً در بخش‌های مالی، تجاری و صنعتی فعال است، ولی نمود عملکردش در داخل ساختار دولت آمریکا دیده می‌شود.

زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به ریاست‌جمهوری رسید، با ناراضیاتی کارمندان بلندپایه دولت و آژانس‌های مختلف، به‌ویژه نهادهای امنیتی روبرو شد. او مخالفت آن‌ها با سیاست‌های خود را حس کرد. این مخالفت به‌مرور به مقاومتی شدید از درون دولت آمریکا تبدیل شد که به شورش شبیه بود. اطلاعات حساس علیه او از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی به‌طور گسترده درز پیدا کرد. سپس پرونده‌های متعددی علیه او مطرح شد که مهم‌ترین آن، حمایت روسیه از او در انتخابات بود. تحقیقات آغاز شد و تلاش‌هایی برای استیضاحش در گنگره صورت گرفت تا جایی که وزارت دادگستری آمریکا به دشمنی آشکار با او برخاست. مخالفت‌ها فقط از درون دولت نبود؛ حتی شرکت‌های دارویی که به کشف واکسن کرونا دست‌یافته بودند، از اعلام آن تا بعد از پیروزی بایدن در انتخابات اواخر ۲۰۲۰ خودداری کردند تا ترامپ بتواند از آن به نفع خود بهره‌برداری انتخابی کند. در نهایت، رئیس‌جمهور وقت که با این نیروی پنهان سازمان‌های علیه خود روبرو شده بود، نتیجه انتخابات را زیر سؤال برد و آن را شذیفت. او مدعی شد که تقلب شده و پیروزی‌اش دزدیده‌شده است. حتی کمیسیون انتخابات فدرال را هم به فهرست دشمنانش افزود. ترامپ پس از خروج از ریاست‌جمهوری، در جمع هوادارانش در تگزاس در سال ۲۰۲۳ گفت: «یا دولت پنهان آمریکا را نابود می‌کند یا ما دولت پنهان را نابود خواهیم کرد». با دقت در واقعیت آمریکایی زمان دولت نخست ترامپ، روشن می‌شود که این توصیف از وجود نیرویی پنهان در آمریکا که مانع تغییرات رئیس‌جمهور منتخب می‌شود، توصیفی واقعی و وضعیت حقیقی ساختار حکومتی آمریکا است.

در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۲۳، ترامپ در یک ویدئو از برنامه‌ای دهگانه پرده برداشت و در آن گفت: «با این شیوه، دولت پنهان را درهم خواهیم شکست و دولت را به کنترل مردم بازخواهیم گردانند، برای مردم و به‌خاطر مردم» (ویدیو میل بریتانیا، ۲۱ مارس ۲۰۲۳).

این واقعیت نظام سیاسی در آمریکا است. بر این اساس، سرمایه‌داران بزرگ و شرکت‌های کلان، ریشه و منشأ دولت پنهان در آمریکا هستند و همان نیروی پنهان و نهفته‌اند که در پس جهت‌گیری‌های سیاسی دولت قرار دارند. آنان کارمندان در پست‌های حساس را هدایت می‌کنند تا در برابر سیاست‌های دولت، در صورتیکه مخالف منافع آن شرکت‌ها باشد، ایستادگی کنند. این نیرو از یکسو بیرون از ساختار رسمی دولت قرار دارد و از سوی دیگر در درون آن فعال است و در بخش‌های مالی، تجاری و صنعتی فعالیت می‌کند، اما تأثیر آن در درون نهادهای دولتی آمریکا ظاهر می‌شود.

۳- بریتانیا
اما در مورد بریتانیا، در آن نیز دولتی پنهان وجود دارد. نظام حکومتی در بریتانیا توسط حزب محافظه‌کار نمایندگی می‌شود که متشکل از خاندان‌های محافظه‌کار و ثروتمندان بزرگ بریتانیاست. آنان حاکمان واقعی بریتانیا هستند؛ اما گاهی اوقات سیاست‌های علنی آن‌ها کشور را به بحران‌هایی می‌کشاند، یعنی گاهی به منافع دولت آسیب می‌زند. در چنین شرایطی، حزب محافظه‌کار کنار می‌رود و حزب کارگر قدرت را در دست می‌گیرد تا بحران را حل کرده و فترت از آسیب بیشتر به منافع کشور شود، سپس کنار می‌رود.

مورد سوم: نمونه‌هایی برای بررسی دولت پنهان در برخی کشورها، به‌منظور توضیح بیشتر

۱- ترکیه
(الف) منشأ اصطلاح «دولت پنهان» از ترکیه برخاسته است. در پایان دوران خلافت عثمانی، افسرانی از گروه «اتحاد و ترقی» که تحت تأثیر افکار غربی بودند، در سال ۱۹۰۹ میلادی کودتایی انجام دادند و خلیفه عبدالحمید دوم را برکنار کردند و برادرش محمد رشاد را به‌عنوان خلیفه‌ای منصوب کردند که اختیاراتش کمتر از خودشان بود.

این آغاز ظهور طبقه‌ای قوی‌تر از خلیفه بود که به‌طور آشکار بر مداخله‌گری یا سقوط او تأثیر داشتند، نه به‌صورت پنهان. با این حال، آن‌ها خلافت و حکومت بر پایه اسلام را ساقط نکردند. در واقع، آن‌ها «دولت درون دولت» یا «دولت پنهان» به معنای پنهانی نبودند؛ بلکه آشکارا در درون دولت حضور داشتند اما بر حکومت سلطه داشتند.

ب) پس از جنگ جهانی اول، مصطفی کمال که وابسته به انگلیس بود، توانست قدرت را در دست گیرد و سپس موفق شد خلافت را براندازد و شریعت را لغو کرده و اجرای قوانین اسلامی را متوقف کند. او جمهوری را اعلام کرد و آن را بر پایه سکولاریسم بنا نهاد و با کودتاها علیه حکومت اسلامی و حتی مظاهر اسلامی دست به اقدامات گسترده‌ای زد؛ مانند آنچه به «کودتای خط» معروف است یعنی تغییر القیاب ریان ترکی از عربی به لاتین، یا «کودتای لباس» که لباس شرعی را با لباس غربی جایگزین کرد و موارد دیگر. او ارتش و نیروهای امنیتی را بر پایه معیارهای خامی تأسیس کرد تا جمهوری و سکولاریسم را حفظ کنند و مانع بازگشت اسلام به حکومت و برپایی دوباره خلافت شوند. ارتش به نیرویی مسلط بر حکومت تبدیل شد و هرگاه انحرافی از اصول «کمالیسم» (مصطفی کمال) می‌دید، دخالت می‌کرد و هم‌زمان تابعیت خود از انگلیس را حفظ می‌نمود. سلطه حکومت کمالی و حمایت انگلیس، مانع از ظهور دولت پنهانی علیه این حکومت می‌شد.

وقتی اردوغان با پشتوانه مندوق‌های رای و حمایت سیاسی، مالی و اقتصادی آمریکا به قدرت رسید، بخوبی از قدرت ژنرال‌های ارتش که حافظان سکولاریسم و وابسته به انگلیس بودند، آگاه بود. آن‌ها سواد فدرات دولت محسوب می‌شدند و در صورت اراده، قادر به کودتا علیه او بودند. از همین رو، اردوغان بر ارزش‌های دموکراسی و آزادی تأکید می‌کرد و با اتکا به مشروعیت مردمی آن‌ها را محاصره نکرد تا مانع کودتا شود. آمریکا نیز با ابزارهای اقتصادی و مالی خود، وسوسه‌هایی برای ترک‌ها ایجاد می‌کرد.

اردوغان از این نظامیان واهمه داشت و نمی‌توانست آن‌ها را برکنار کند، زیرا تعدادشان زیاد بود و طی سال‌ها در ارتش نفوذ یافته بودند؛ اما به‌سرعت، واقعیت جدیدی در زندگی سیاسی ترکیه ایجاد کرد که عنوان اصلی‌اش «دموکراسی» و موفقیت اقتصادی بود و این، خود مانعی در برابر کودتا ایجاد کرد.

در این دوره، توصیف وضعیت ترکیه به‌عنوان وجود «دولت پنهان» که از درون نهادهای دولتی، به‌ویژه ارتش، به‌شکل پنهانی فعالیت می‌کرد، درست بود. این نیروها با برنامه‌های نخست‌وزیر منتخب، از دشمنان مخالفت می‌کردند و می‌کشیدند آن‌ها را کتاکم بگذارند. این‌ها شبکه‌های بودند که برای افراد سطحی‌نگر که گمان می‌کردند اوضاع طبق قانون و به‌درستی پیش می‌رود، قابل‌شکاسبی نبودند. این شبکه در نهادهای ارتش، قوه قضائیه و وزارتخانه‌ها نفوذ کرده بود و با احزاب سکولار مخالف دولت که در بیرون از ساختار رسمی بودند، ارتباط داشت و همچنین با مرکز فرماندهی خود در لندن مرتبط بود. اعضای آن در خفا جلسه برگزار می‌کردند، مشورت می‌کردند و درباره حکومت اردوغان تصمیم‌گیری می‌کردند تا آنکه در سال ۲۰۱۶ تصمیم به کودتا گرفتند، اما موفق نشدند. پس‌از آن، اردوغان این اتفاق را بهانه کرد و به پاکسازی ارتش پرداخت و همچنین پیروانشان در دستگاه قضایی و وزارتخانه‌ها را برکنار کرد. حتی کار به اخراج استادان دانشگاه نیز رسید. بدین ترتیب، اردوغان موفق شد دولت پنهان وابسته به انگلیس در ارتش ترکیه را ریشه‌کن کرده و نزدیک به نابودی کامل برساند؛ اگرچه هنوز پیروانی برای آن‌ها باقی‌مانده‌اند، هرچند ضعیف‌تر از گذشته که در تلاش برای احیای مفهوم دولت پنهان در برابر نظام کنونی‌اند.

۲- ایالات‌متحده
(الف) حکومت در آمریکا به دو سطح واقعی تقسیم می‌شود: سطح نخست، نماینده مشروعیت مردمی است و وظیفه‌اش اجرای اراده مردم است که این رئیس‌جمهور و نمایندگان را انتخاب کرده‌اند؛ بنابراین ظاهر دولت، ظاهری «دموکراتیک» است؛ اما این سطح مشروع، نمی‌تواند سیاست‌های کشور را هدایت کند مگر در چارچوب خواست سطح دوم. این سطح دوم، لایه‌ای پنهان و لایه‌ای غیرمنتخب است؛ یعنی طبق نظام «دموکراتیک»، مشروعیت ندارد. به این لایه «دولت پنهان» گفته می‌شود.

ادامه : رئیس‌جمهور سوریه به فرانسه سفر می‌کند و با یهود مذاکره می‌کند!



آیا نماینده‌ای که الله سبحانه‌وتعالی به جنگ با یهود و کشتن آنان فرمان داده است؟ و آیا نماینده‌ای که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم روش برخورد با آنان را برای ما ترسیم کرده و این‌که نبرد ما با آنان، نبرد حیاتی است؟ و آیا این رژیم یبایی باشد، برای ما آرام و بی‌خطر خواهد بود؟

آیا چگونه ممکن است با آنان ارتباط برقرار کنیم، با آنان مذاکره کنیم؟ با آنان بشنیم، درحالی‌که مردم ما در غزه در حال قتل‌عام هستند، قتل‌عام‌هایی که بشر هرگز نظیری برای آن ندیده است؟ چگونه می‌پذیریم که با کسی بشنیم که سرزمین ما را اشغال کرده و درحالی‌که مردم ما در حتی در سوریه به قتل می‌رسند، درحالی‌که حدود شصت‌هزار تن هنوز خشک نشده است؟ مردم انقلابی شام آمده‌ی نبرد و انتقام‌اند و پایگاه انقلابی در شام برای فداکاری آماده است و همه مشتاق یاروسانی به برادران خود در غزه‌اند. پس چگونه است که به اصول ثابت خود پشت کنیم، از آن‌ها بازگردیم و در صف حکومت‌هایی قرار بگیریم که برادران ما را در غزه خوار و ذلیل کردند و سپس اعلام کنیم که با رژیم به‌دو در حال مذاکره‌ایم و آمادگی داریم برای امضای توافق‌نامه‌های عادی‌سازی یا احیای توافق‌های قطع ارتباطی که زمان حافظه اسد نابودشده بسته شد و نظام ساقطشده نیز به آن پایبند بود؟

بیزیرید، طبیعت خود همان است که الله سبحانه‌وتعالی در قرآن ما را از آن آگاه کرده، نقش‌کننده عهد و پیمان، آنان غاصب‌اند، مقدسات ما را اشغال می‌کنند، برادران ما را کشته‌اند و به سرزمین‌های ما ضعیف دارند و هرگاه کسی بخواید آن‌ها را وامی‌سازد، همین امر آنان را بر جسات و تجاوز بیشتر و آمادگی در برابر چنین دشمنی، موقع درست، نابودسازی رژیم آن‌ها و قطع کامل ارتباطاتش است و این همان چیزی است که الله سبحانه‌وتعالی در سوریه برای ما به آن هشدار داده است، جنگی که از او خواهیم گفت، مصالح‌الدین بازگشته است، این را راحل درست و کاملاً در برابر رژیم بهود است.

بیزیرید، طبیعت خود همان است که الله سبحانه‌وتعالی در قرآن ما را از آن آگاه کرده، نقش‌کننده عهد و پیمان، آنان غاصب‌اند، مقدسات ما را اشغال می‌کنند، برادران ما را کشته‌اند و به سرزمین‌های ما ضعیف دارند و هرگاه کسی بخواید آن‌ها را وامی‌سازد، همین امر آنان را بر جسات و تجاوز بیشتر و آمادگی در برابر چنین دشمنی، موقع درست، نابودسازی رژیم آن‌ها و قطع کامل ارتباطاتش است و این همان چیزی است که الله سبحانه‌وتعالی در سوریه برای ما به آن هشدار داده است، جنگی که از او خواهیم گفت، مصالح‌الدین بازگشته است، این را راحل درست و کاملاً در برابر رژیم بهود است.

فرانسهای که درهرساعت شاهد اظهارات کینه‌توزانه‌ی سرانش علیه اسلام، تمدن و فرهنگ آن هستیم؛ فرانسهای که شمار زیادی از مسلمانان الجزایر را کشت و جمجمه‌هایشان را به «موزه‌ی انسان» در پایتخت، پاریس فرستاد؛ فرانسهای که از یک‌ای کشتارهایش در الجزایر، ۴۵ هزار تظاهرکننده‌ی غیرمسلم را به قتل رساند و در مجموع، حدود یک و نیم میلیون مسلمان الجزایری را کشت.

آری، این است فرانسه، کشوری که باید از هرگونه سخن ستایش‌آمیز نسبت به آن به‌شدت پرهیز کرد. جایانش پایان‌ناپذیر و توفان‌ناپذیر است تا زمانی‌که نابود شود و اساس آن از میان برود.

این است فرانسه، ای سروران؛ سرزمین فسق، فجور و جنایت؛ کشوری که به جنایت خود افتخار می‌کند و گو‌اه آن، نمایشگاه‌جایانش، یعنی «موزه‌ی انسان» در پاریس است؛ فرانسه نماد تکبر و سلطه‌جویی، فرانسهای که ثروت‌های ما را به یغما برد، مردم ما را کشت، در سقوط دولت ما سهیم بود و با دین، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و فرهنگ ما می‌جنگد. آیا از خار، انتقام‌انگور می‌رود؟ آیا می‌توان از اینان خبری انتظار داشت؟ و اگر بخواید در بر رویمان بگشایند، مگرچه دری خواهد بود؟ در قضا، فجور و تاریخی پر از جنایت، به الله سبحانه‌وتعالی قسم، دری که اگر مردم به‌خطر نشودن آن غفو نمایند، الله سبحانه‌وتعالی به‌خطر ضایع‌ساختن حقوق مسلمانان هرگز نخواهد بخشید و مردم را به سخت‌ترین و شدیدترین شکل ممکن بازخواست خواهد کرد. پس هرچه فرانس به ما برساند شرواهاود بود و تاریخی از حاقق‌های پاک نخواهد شد.

اما سخن گفتن از مذاکرات غیرمستقیم با یهود، این است فاجعه‌ی بزرگ و لغزش خطرناکی که خشم مردم خشم پروردار را برمی‌انگیزد و نباید به‌سادگی از آن گذشت، بلکه باید با تمام قدرت و قاطعیت در برابر آن ایستاد، هرچند تویکم‌کنندگان بخوایند آن را تفسیر کنند؛ زیرا این مسئله، مسئله‌ی دین است، مسئله‌ی همی مسلمانان است، مسئله‌ی سرتوشت‌ساز است که در آن، هیچ‌گونه مذهب‌ای با سازشکاری جای نیست، بلکه نیازمند موضع‌گیری‌های اصولی و قاطع است. این است آنچه باید باشد و این موضع شرعی صحیح در برابر رژیم یهود و نه چیز دیگر.

فرصتی تاریخی برای آزادی کشمیر و فلسطین

استاد بلال المهاجر —ولایت پاکستان

ندایی به‌سوی مخلصان در ارتش پاکستان:

با دستنی لرزان و ترسان، مودی ترمزهای شلیک موشک‌های تلافی‌جویانه به پاکستان و مردم بی‌دفاع کشمیر را فشار داد و جرأت نکرد به پایگاه‌های نظامی پاکستان حمله کند، بلکه بر کودکان حافظ قرآن در مدارس و غیرنظامیان بی‌دفاع تکیه زد. دلایل این تجاوز و ماجراجویی هند عبارت‌اند از: اول: با وجود اینکه در جنگ‌های نظامی، مهاجم در موقعیت قدرت است و اختیار انتخاب نقاط حساس و درندگ دشمن را دارد، هند به‌خاطر ترس از پاسخ شدید، مکان‌هایی را انتخاب کرد که حساسیت یا تأثیر زیادی نداشتند، از ترس برانگیختن خشم قوی نیروهای مسلح پاکستان. واضح بود که این حملات به‌منظور حفظ آبرو پس از حادثه ۲۲ آوریل ۲۰۲۵ بود.

دوم: با وجود اظهار نظر کمرنگ محمد شریف شادوری، سخنگوی ارتش پاکستان که گفت پاکستان «در زمان و مکان مناسب پاسخ خواهد داد» و این یعنی فرصت پاسخ سریع و بازدارنده پیش از مداخله متحدها هند مانند آمریکا از دست رفت، تنها دفع حمله به‌خودی‌خود پاسخ شرم‌آوری برای هند بود. هندی که پنج جنگنده‌اش سرنگون شد، انگار که مگس‌هایی بودند و بسیاری از سربازانش کشته یا اسیر شدند که نشان‌دهنده ضعف، شکستندگی و ترس «ظلم هندی» است که مانند فیل کاغذی به نظر می‌رسد و آمادگی و شجاعت سرباز مجاهد پاکستانی را تأیید می‌کند.

سوم: بدون فرماندهی نظامی، پاسخ طبیعی و خودجوش مجاهدان از سوی قطب‌های نیروی هوایی، پدافند زمینی و پیاده‌نظام، پاسخی بازدارنده بود. اگر فرماندهی ارتش پاکستان به دست کسی مانند صلاح‌الدین یا خالد بن ولید بود، این حمله برای آزادی کشمیر استفاده می‌کرد، امری که اگر در ساعات ممکن نباشد، در چند روز ممکن است؛ اما لازم است مخلصان ارتش پاکستان به این موضوع رسیدگی کنند و اجازه ندهند آنچه نواز شریف و پرویز مشرف انجام دادند و پیروزی در ارتفاعات کارگزار را به شکست تبدیل کردند، تکرار شود. دست مخلصان در ارتش از این رویداد بهره‌بردار شد و یاری حزب التحرییر را برای برپایی خلافت راشد دوم بر منهج نبوت فراهم کنند و تنها در این صورت است که نیروهای نظامی مجاهد پاکستان توان واقعی خود را در نبرد در راه الله سبحانه‌وتعالی با تمام ظرفیت، برای آزادی کشمیر و بازگرداندن شبه‌قاره هند به زیر پرچم امت اسلامی و همچنین برای پیشروی به‌سوی آزادی سرزمین مقدس فلسطین، نشان خواهند داد.

ایران می‌تواند به قدرت استبدادی تبدیل شود

ایران چندین فرصت برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و اعلام خود به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای تا پایان سال ۲۰۲۴ داشت، همان‌طور که کارشناسان نظامی اظهار داشتند، درحالی‌که آینده سیاسی آمریکا در میان انتخابات ریاست‌جمهوری مشخص‌شده مورد مناقشه بود، بر اساس اظهارات منتشرشده در شبکه فاکس نیوز دیجیتال، جیمز کارافانو، معاون رئیس مطالعات سیاست خارجی و دفاعی مؤسسه هرتیج گفت: «فکر می‌کنم این یک گزینه واقعی است، یعنی اگر جای ایرانی‌ها بودم و مجبور بودم این کار را انجام دهم، الآن انجام می‌دادم چون رئیس‌جمهور بایدکن دار انجام می‌دهد». در پاسخ، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به فاکس نیوز دیجیتال اعلام کرد: «ما متعهد هستیم که اجازه ندهیم ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد و آماده‌ایم از تمامی ابزارهای قدرت ملی برای تضمین این نتیجه استفاده کنیم.

با وجود بحث و جدل‌های فراوان درباره دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، آیا ایران می‌تواند به قدرت هسته‌ای تبدیل شود؟ بله اگر سیاست خارجی خود را به آمریکا وابسته نکند و در نتیجه به قدرتی معتبر تبدیل شود؛ اما وابستگی ایران به سیاست آمریکا و خریدن در مدار آن، مانع از تحقق این امر شده است. این وضعیت ادامه دارد زیرا ندیکان حاکم ایران به ارتباط با غرب عادت کرده‌اند و هرگز از آن جدا نمی‌شوند.

به‌جای اینکه خود بر توافق هسته‌ای کنترل داشته باشند، این توافق را به مذاکرات وین که به موافقت آمریکا وابسته است گره‌ده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه ایران، سعید خطیب‌زاده، در یک اجلاس خبری به نقل از روزنامه ایندیپندنت عربی در تاریخ ۲۰۲۴/۶/۱۳ گفت: «اگر توافقی در وین به دست آید، تمام اقداماتی که ایران انجام داده است، از نظر فنی قابل بازگشت است». بنابراین، تغییر مسیر از ایران بعید است مگر اینکه اسلام را در سیاست داخلی و خارجی خود حاکم کند و ارتباط خود را با آمریکا قطع کند به‌گونه‌ای که برگشت‌ناپذیر باشد. ما این می‌گوییم درحالی‌که ما ندانیم سیاستمداران کنونی ایران چنین کاری انجام دهند، ولی «محرزهٔ اِلِی رُبَکَم و لَعْلَهم یَتَّقون»، «تا در پیشگاه پروردگارتان معذور بوده و شاید هم تقوا و پرهیزگاری در پیش گیرند».

کانال سونز و اظهارات ترامپ

رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، از طریق پلتفرم «تروث سوشال» خواستار عبور رایگان کشتی‌های آمریکایی از کانال‌های سونز و پاناما شد و مدعی شد که آمریکا «این دو کانال را ساخته است» و وزیر خارجه خود را موظف کرد تا اقدامات نامی را به‌منظور تحکیم این خواسته استعفا دهد.

پاسخ تند مصر به این اظهارات تحریک‌آمیز سکوت بود که ضعف موضع آن در برابر تحمیل‌های بین‌المللی، میزان خیانت و انقیاد آن نسبت به آمریکا استعمارگر کافر و ناتوانی کامل آن در دفاع از حاکمیت و حتی ابتدایی‌ترین مظاهر کرامت (ملی) ادعایی را نشان می‌دهد. این اظهارات ترامپ بیان دقیقی از عقیده غرب نسبت به کشورهای مسلمان است؛ آن‌ها منابع ما را ملک شرعی خود می‌دانند و ما را مستعمرات وابسته‌ای تلقی می‌کنند که هیچ حق حاکمیت واقعی ندارند و مداخلاتشان در امور ما را حقی مسلم می‌پندارند. این بخشی از سیاست استعماری قدیمی و نو است که لرد کرورم آن را چنین بیان کرده است: «ما مصر را برای مصر نگرفتیم بلکه برای منافع خود گرفتیم»، و اکنون ترامپ همان منطق بی‌رحمانه را احیا می‌کند، درحالی‌که حکومت‌هایی به وفاداری به اربابان غربی خود ادامه می‌دهند.

راه‌های آبی که از سرزمین‌های مسلمان می‌گذرد، جزئی از ملک عمومی است که باید بر اساس احکام شریعت اداره شود، نه قوانین وضعی یا قراردادهای استعماری. کانال سونز بخش جدایی‌ناپذیر از خاک مصر است که خود بخشی از کشورهای اسلامی به شمار می‌آید، بنابراین تسلیم آن به سازمان‌های بین‌المللی یا الزام آن به عبور آزاد طبق جایز نیست. این تنها به برپایی دومین دولت فاسد راننده بر منهج نبوت که کشورهای مسلمان را متحد و سلطه آنان بر متناهی‌شان را بازمی‌گرداند، امکان‌پذیر است؛ و بر مردم مصر که «کنانه الله» در زمین است واجب است که با حزب التحرییر برای تحقق آن همراه شوند.

پهپادها و جنگ در سودان

استاد عبد الخالق عیدون علی

با ورود جنگ سودان به سال دوم خود، ویژگی‌های تحول بزرگی در ماهیت درگیری بین ارتش سودان و نیروهای واکنش سریع شورشی شکل‌گرفته است، به‌گونه‌ای که نزاع از حالت سنتی فرار رفته و به مرحله «جنگ سایه‌ها» واردشده است، جایی که پهپادها (درون‌ها) به عنصر برجسته میدان نبرد تبدیل‌شده‌اند.

در ابتدا، نیروهای شبه‌نظامی برتری عددی آشکاری داشتند، با حضور گسترده در خارطوم و تعداد حدود صد هزار مبارز، در مقابل حدود چهل هزار عضو نیروهای مسلح. ارتش با مشکلات ساختاری مواجه بود که به شکل افزایش نسبت افسران نسبت به سربازان نمود داشت. بااین‌حال، ارتش توانست شوک شورش ناگهانی را پشت سر گذاشته، سریع صوف خود را سازماندهی کند و ابتکار عمل را دوباره به دست گیرد.

یکی از مهم‌ترین عناصر تحول، ورود نیروی هوایی پهپادها بود که توازن قوا را تغییر داد، چراکه به ارتش امکان اجرای ضربات دقیق به خطوط تدارکات، مراکز فرماندهی، انبارهای سلاح و تجمعات مستحکم در داخل شهرها را داد. این استفاده هوشمندانه از فناوری، توانایی حرکت شبه‌نظامیان در فلج کرد و شمار بالای آن‌ها را به باز اضافی تبدیل نمود.

با گذشت زمان، ارتش از حالت دفاعی به تهاجمی درآمد و شروع به کاهش نفوذ شبه‌نظامیان و فروپاشی ساختار آن‌ها کرد که این باعث پراکندگی آن‌ها و تبدیل‌شدن به گروه‌های چپالوگر و وحشت‌افزین در حومه‌ها شد؛ اما خطر دوباره افزایش یافت، زیرا اخیراً شبه‌نظامیان به پهپادهایی دست‌یافته و آن‌ها برای هدف قرار دادن اهداف نظامی و غیرنظامی استفاده کردند، با اتخاذ تاکتیک «زمین سوخته»، برای فلج کردن زندگی و جلوگیری از بازگشت آوارگان.

در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵، نیروهای پهپادی یک ایستگاه برق در الشوفا را هدف قراردادند که منجر به قطع برق در القضاة کسلا و سنار شد. سپس حمله‌ای به ایستگاه برق دنقلا انجام گرفت که منجر به تاریکی مطلق در ایالت شمالی شد. همچنین تأسیسات حیاتی مانند سرد مروی هدف قرار گرفت که تولید برق را به‌طور جزئی مختل کرد. بخش آب نیز آسیب دید؛ ایستگاه انصاریه در ام درمان و ایستگاه آب القضاة بمباران شدند و مردم ناچار به استفاده از آب نیل و چاه‌ها شدند درحالی‌که کمبود آب و افزایش قیمت‌ها وجود داشت.

این حملات به‌طور مستقیم بر زندگی مردم تأثیر گذاشت و بیمارستان‌ها، نانوبای‌ها و تأسیسات تولید مواد غذایی تعطیل شدند. در پورت‌سودان، پهپادها به مدت چهار روز متوالی شهر و تأسیسات حیاتی آن را هدف قراردادند که انفجاریایی ترسانک ایجاد کرد. روز اول فرودگاه پورت‌سودان و پایگاه عثمان دقنه بمباران شدند که منجر به تعلق پروازها شد. روز بعد، انبارهای استراتژیک هدف قرار گرفتند و تا روز بعد آتش گرفتند.

در تحولی نوعی، هتل مارینا و بندر جنوبی هدف موشک قرار گرفتند و حملات به فرودگاه بارها تکرار شد که موجب شد مقامات پروازها را بار دیگر تعلیق کنند. همچنین شرکت برق اعلام کرد که ایستگاه برق پورت‌سودان متوقف شده و از خدمت به شهر خارج‌شده است. این استفاده فزاینده از پهپادها که با حمایت غیرمستقیم امرات همسو با منافع آمریکا، مرحله‌ای خطرناک در جنگ را نشان می‌دهد که فرودگاه‌ها، انبارهای سوخت و ایستگاه‌های برق را هدف قرار می‌دهد.

دلایل کاهش قدرت آمریکا در اداامه سلطه بر جهان

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سلطه آمریکا در آینده نزدیک کاهش خواهد یافت و توانایی آن برای ادامه رهبری جهان رو به افول است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- دست دادن اعتماد جهانی به رهبری آمریکا در جهان، به‌ویژه پس از آغاز بحران اقتصادی جهانی و همچنین مدیریت خودخواهانه تمام پرونده‌های سیاسی جهانی.
- دخالت آمریکا در جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد در سراسر جهان به‌منظور تثبیت سلطه‌اش که این امر منجر به ظهور جریان‌های راست‌گرای افراطی خواهد شد که تعصبات آمریکا را رد می‌کنند.
- مشکلات داخلی آمریکا از جمله سقوط نظام سیاسی فعلی این کشور با ورود ترامپ.
- رشد کشف حزبی شدید بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان و تکیه آن‌ها بر قدرت لای‌های تجاری برای نابودی دیگرکفر.
- ظهور اقتصادی چین به‌عنوان نیرویی تأثیرگذار که در آینده نزدیک فشار بر اقتصاد آمریکا را افزایش خواهد داد.
- تنش‌های نژادی و اجتماعی در بافت جامعه آمریکایی که با تشدید مشکلات اقتصادی مانند افزایش هزینه‌های زندگی و بدهی‌های دانشجویی و عمومی نمایان شده است.
- کاهش اعتماد کشورهای به دلار آمریکا که به کاهش نفوذ اقتصادی آمریکا منجر می‌شود، به‌ویژه اگر تلاش‌هایی برای معاملات غیر داری آغاز شود.
- وجود مداخلاتی که خواستار تغییر در گفتمان جهانی به سمت چندقطبی و عدالت بین‌المللی به‌جای پذیرش آمریکا یا قطب‌های تک‌جانبه هستند.
- بنابراین، سیاسته است خردمندان جهان بداندند که تنها اسلام است که بشر را از ظلم آمریکا و نظام سرمایه‌داری به سوی عدالت اسلامی رهنمون می‌سازد.